

در صندوقخانه شاهی

کاتیا سلماسی

چندی پیش به مناسبت تحقیقاتی که درباره وجه عکاسی دوستمحمدخان معیرالممالک داشتیم، عکسی (۱) به همراه يك نامه ازخانم تاجالدوله - همسر ناصرالدین شاه - برای بررسی در اختیار نگارنده قرار گرفت. این عکس و نامه هر دو با هم از قدیم در يك پاکت در بین مجموعه‌ای از تصاویر خاص دوستمحمدخان معیرالممالک قرار داشته است.

خجسته خانم تاجالدوله نخستین همسر عقدی است که ناصرالدین شاه قاجار پس از به سلطنت رسیدن اختیار کرد. خانم تاجالدوله که خواهر جهانگیر میرزا و از نوادگان فتحعلی شاه قاجار بوده، همواره از زنان مورد احترام و طراز اول دربار ناصرالدین شاه و مادر ولیعهد درگذشته او "معین‌الدین میرزا" بود. عصمت‌الدوله تنها دختر تاجالدوله بنا بر تقاضای دوستعلی خان نظام‌الدوله معیرالممالک، پدردوستمحمدخان، در سال ۱۲۸۷ هجری قمری / ۱۸۷۰ میلادی با معیر جوان ازدواج کرد. دوستمحمدخان که فردی هنرمند و هنردوست بود به اکثر رشته‌های هنری رایج در عصر خود علاقه بسیار داشت و در آن میان عکاسی یکی از چند رشته هنری بود که بدانها می‌پرداخت.

چنانکه از افراد مطلع خانواده معیرالممالک شنیدم دوستمحمدخان معیرالممالک بسیار دقیق و منظم بود و بنا بر عادت اسناد و مدارک مربوط به بیشتر چیزهای ارزشمندی را که در اختیار داشته به همراه همان شئی حفظ می‌کرده، بطور مثال با توجه به علاقه و احترامی که معیرالممالک نسبت به میرزا غلامرضا اصفهانی خوشنویس عهد قاجار داشت، یادگارهای استاد خوشنویس از قبیل جعبه قلمدان، قلمتراش و قط‌زن، و انگشتر میرزا غلامرضا را به همراه یادداشتی درباره هر کدام نگهداری می‌کرده است. به این ترتیب عکس و سند مورد بحث نیز به همراه هم به یادگار گذارده شده‌اند.

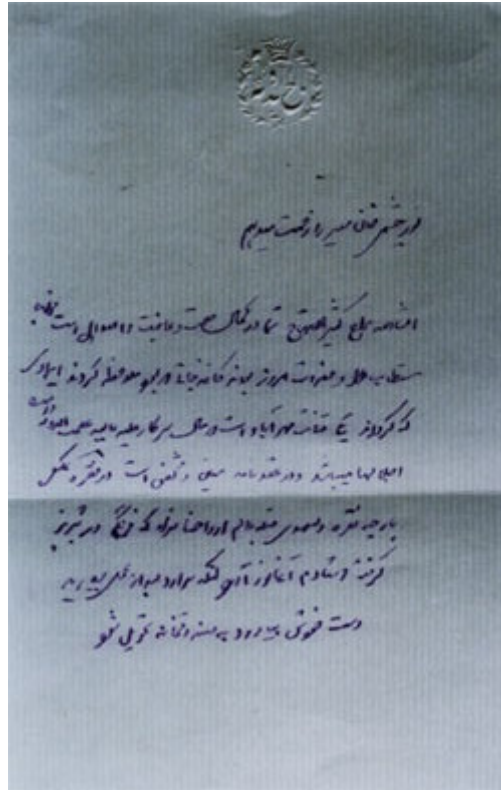
نامه یادداشتی است از تاجالدوله خطاب به داماد خود معیرالممالک که به خط شکسته تحریری، با جوهر آبی و قلم فلزی بر روی کاغذ فرنگی سبز کم‌رنگ با کادر عمودی و به ابعاد $۶/۱۱ * ۷/۱۹$ سانتیمتر نوشته شده و سرنامه ممه‌ور به مهر برجسته (مهر سفید) تاجالدوله است. از نوع نگارش (دستخط) چنین بر می‌آید که تاجالدوله متن را به شخص دیگری، احتمالاً يك منشی دیکته کرده است، نامه متأسفانه بدون تاریخ است.

متن و اصل سند به این شرح است:

"نور چشمی خان معیر را زحمت میدهم

انشاءالله مزاج کثیرالابتهاج شما در کمال صحت و عافیت و اعتدال است نواب‌مستطاب والا و حضرات امروز بودند کاغذجاتی که بود ملاحظه کردند ایرادی که کرده‌اند یکی قنات مهرآباد است که مال سرکار علیه عصمت‌الدوله دامت‌اجلالها میباشد و در عقدنامه معین و مشخص است در فقره عکس پارچه نقره ولیعهد قبله عالم ارواحنا فداه که فرنگی در تبریز گرفته فرستادم آغانور آورد لنگه ندارد بعد از عمل بسپارید دست خودش بیاورد به صندوقخانه تحویل شود"

بخش اول نامه در مورد قنات مهرآباد است که مربوط به بحث ما نیست. (۲) در بخش دیگر این نامه خانم تاجالدوله به يك فقره عکس پارچه نقره ولیعهدی قبله عالم (ناصرالدین شاه) اشاره دارد و از آن به عنوان يك شئی با ارزش و منحصر بفرد یاد می‌کند و به همین دلیل خانم تاجالدوله "عکس" را بدست یکی از خواجگان مخصوص خود (آغانور) سپرده که مأمور بازگرداندن و تحویل آن به صندوقخانه شاهی نیز هست و در یادداشت خود به یگانه بودن آن نیز



اشاره کرده است. از آنجا که در ثبت تصویر به روش داگروتایپ (Daguerrotype) از صفحات نقره و یا صفحات مسی نقره اندود استفاده می‌شده در متون فارسی مربوط به عکاسی در عهد قاجار از کلمه "صفحه نقره" نیز به عنوان معادل فارسی داگروتایپ استفاده شده است و در همین رابطه خالی از لطف نیست اگر بدانیم که در قدیمی‌ترین سند خطی فارسی که در سال ۱۲۵۹ هجری قمری/ ۱۸۴۳ میلادی مقارن با سالهای اولیه اختراع داگروتایپ نوشته شده و تاکنون به نظر محققان این رشته نرسیده است ضمن بیان مطلبی در مورد انواع اختراعات جدید از عکاسی و داگروتایپ به عنوان "عمل کشف که نوعی از نقاشی است" نام برده شده است. وجه اطلاق کشف (بازیافت) بر عکاسی شاید ناشی از امکان بازیافت زمان سپری شده و لحظات فناپذیر بوسیله عکس باشد.

از آنجا که از مهمترین خصوصیات داگروتایپ منحصر به فرد بودن آن است بطور مسلم منظور تاج‌الدوله از این تصویر داگروتایپی است که در آغاز ورود عکاسی به ایران و به احتمال بسیار قوی توسط ژول ریشار (Jules Richard) از ناصرالدین میرزا در دوران ولیعهدی برداشته شده است. در تمام ادبیات عکاسی موجود درباره تاریخ عکاسی ایران ذکر شده که ژول ریشار -معروف به ریشارخان- نخستین کسی بود که در سال ۱۸۴۴ میلادی در ایران عکاسی کرد(۳) مرجع نظریه ثبت نخستین داگروتایپ در ایران توسط ژول ریشار برگرفته از کتاب مقالات گوناگون تالیف دکتر خلیل ثقفی (اعلم الدوله) است. این مطالب مستخرج از دستنویس‌های (یادداشت‌های) فرانسوی ژول ریشار است که در اختیار دکتر ثقفی بوده و وی آنها را از فرانسه به فارسی ترجمه کرده است. بطور خلاصه نکات مهم این یادداشتها عبارتند از :

... "دهم اکتبر ۱۸۴۴ از تبریز به طرف تهران حرکت کردم... در تاریخ بیست و یکم نوامبر يك خانه اجاره کردم که مادام عباس هم در آن منزل دارد... پنجم دسامبر توسط مادام عباس پیش ولیعهد رفتم تا عکس او را روی صفحه نقره بیندازم. ولیعهد سیزده چهارده سال دارد، کوچک اندام است و چهره او چندان بدترکیب نیست. امروز بیست و یکم دسامبر عید قربان است... از آنجا رفتیم پیش ولیعهد که پشت پنجره‌های آرسی نشسته..." (۴)

همانطور که اشاره شد دوستم محمدخان معیرالممالک علاقمند به عکس و عکاسی بود. وی عکاسخانه‌ای خصوصی نیز در منزلش بر پا کرده بود به کار عکاسی می‌پرداخت و در این میان به تهیه کپی و عکسبرداری از آثار و اشیاء نفیس و با ارزش نیز بسیار پرداخته است. از متن نامه تاج‌الدوله چنین برمی‌آید که با دوستم محمدخان بنا بر تقاضای قبلی قصد امانت گرفتن داگروتایپی را داشته که نزد تاج‌الدوله و در صندوقخانه بوده تا از آن کپی تهیه کند و با اینکه خود تاج‌الدوله این داگروتایپ را به دوستم محمدخان سپرده تا کاری روی آن انجام دهد که این اختلاف در اصل موضوع که حاکی از وجود يك داگروتایپ از دوران ولیعهدی ناصرالدین شاه در صندوقخانه سلطنتی بوده بی‌تاثیر است. آنچه مسلم یا قریب به یقین است، اصل داگروتایپ مذکور بنا بر تاکید و درخواست خانم تاج‌الدوله به صندوقخانه بازگردانده شده است چرا که دوستم محمدخان امکان ترمیم از امر تاج‌الدوله را نداشته است .

عکسی که به همراه این سند با ارزش به دست نگارنده رسید همان تصویری است که مرحوم ریحی ذکاء در کتاب "تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران" در صفحه ۱۸۹، با شماره پیکره ۲۲۰ در آغاز بخش عکاسی در تبریز به چاپ رسانیده است. اصل عکس دارای کادر افقی و ابعاد ۱۳ * ۵/۱۸ سانتیمتر است .

آقای دکتر مظفر بختیار که با خانواده معیرالممالک نسبت فامیلی دارند ابتدا این عکس را به تنهایی (بودن سند مذکور) در اختیار مرحوم ذکاء گذارده‌اند، مرحوم ذکاء در کتاب تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران در این باره اظهار کرده‌اند که این تصویر مربوط به کودکی مظفرالدین‌شاه است نه ناصرالدین شاه. آقای دکتر بختیار این بار عکس را با سند همراه آن در اختیار اینجانب گذاشتند تا بررسی گسترده‌تری روی آن انجام گیرد. فضا و مکان این عکس با توضیحات و توصیفات ژول ریشار که در کتاب مقالات گوناگون آمده و قبلاً ذکر آن رفت، کاملاً مطابقت می‌کند. یعنی بطور قطع کودکی که در مرکز توجه تصویر قرار گرفته شأنی اجل‌تر از سایرین دارد، از لباس و طرز قرار گرفتن سایر افراد حاضر در عکس برمی‌آید که این عکس در يك مراسم رسمی برداشته شده است. کودک پشت پنجره‌های آرسی است و اشاره ژول ریشار به کوچک اندام بودن ولیعهد بسیار به جاست .

در پشت عکس یادداشت‌هایی درباره محل و تاریخ عکسبرداری نوشته شده که عبارتند از :

(۱) قدیمترین یادداشت، که با مرکب آبی بنفش در گوشه سمت چپ پائین آمده و دستخطی است قدیمی که جاهایی از کلمات آن نیز به مرور زمان سائیدگی و رنگ پریدگی دارد اما بهر حال هنوز قابل خواندن است .

"عکس ولیعهدی اعلیحضرت روز سلام عید قربان سنه ۱۲۶۰ در تبریز ریشارخان پدر مؤدب الملك حالیه انداخته "

(۲) نوشته دوم باز دستخطی قدیمی و از شخص دیگری است که دستخط اول را شناسایی کرده است .

"خط شاهزاده جهانگیر میرزا است "

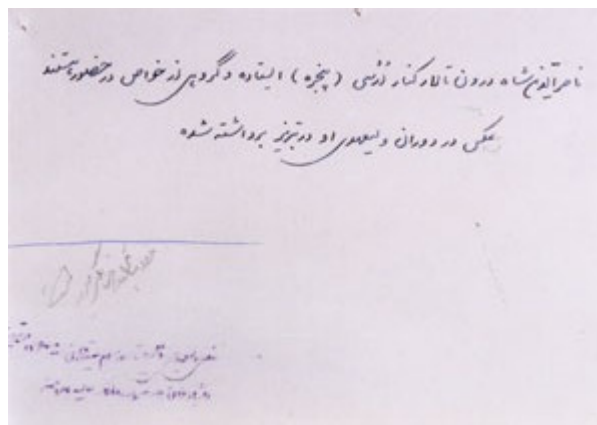
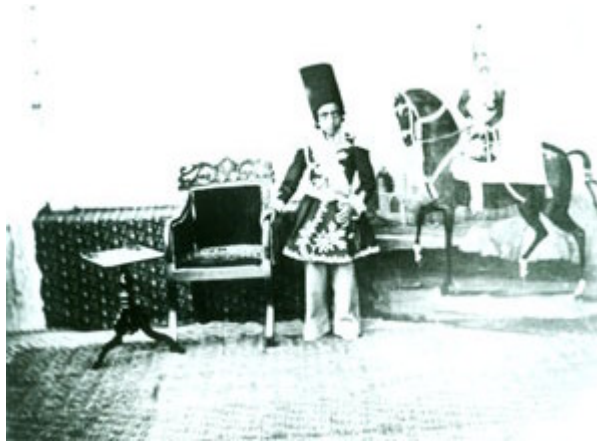
به نظر دکتر بختیار این دستخط از دوستعلی خان معیرالممالک پسر دوستم محمدخان معیرالممالک است .

(۳) نوشته سوم تقریباً معاصر است و مطلب خاصی ندارد .

همانطور که قبلاً ذکر شد جهانگیر میرزا برادر تاج‌الدوله و دانی عصمت‌الدوله بوده، جهانگیر میرزا پس از ازدواج عصمت‌الدوله و دوستم محمدخان در منزل ایشان سکونت داشته است و از کارگزاران دستگاه معیرالممالک بوده است. خالی از لطف نیست اگر بدانیم عبدالله فاجار عکاس معروف عصر ناصرلی فرزند جهانگیر میرزا است، در جریان این همنشینی مدام احتمال بسیار وجود دارد که جهانگیر میرزا در جریان اتفاقاتی که در منزل دوستم محمدخان معیرالممالک رخ می‌داده قرار می‌گرفته است، بنابراین مطالبی که او در پشت عکس نوشته باید

صحیح باشد و اگر

با فرض صحت کامل این دستنوشته بخواهیم به بررسی آن بپردازیم نخستین مسئله این است که این مطلب سالها بعد از عکسبرداری و یقیناً بین سالهای بعد از فوت ریشارخان در شوال ۱۳۰۸ هجری قمری / ۱۸۹۱ میلادی و قبل از ترور ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ هجری قمری / ۱۸۹۶ میلادی نوشته شده زیرا در متن از ناصرالدین شاه بصورت شخصی زنده نام برده شده است ولی ریشارخان در قید حیات نیست و از زمان مرگش مدتها می‌گذرد زیرا نویسنده ریشارخان رامنسوپ به پسرش مؤدب الملك معرفی کرده است. بنابراین زمان تحریر این نوشته قریب به پنجاه سال بعد از تاریخی است که نویسنده این تصویر را متعلق به آن تاریخ، یعنی سنه ۱۲۶۰ هجری قمری می‌داند پس به علت فاصله زیاد زمانی و خطای حافظه، نمی‌تواند چندان سندیت قطعی داشته باشد.



اگر بخواهیم به بررسی عکس و نامه به موازات هم بپردازیم و اصل را بر یکی دانستن این تصویر با همان تصویری که تاج‌الدوله برای دوست محمدخان فرستاده بگذاریم این نکات مطرح می‌شوند :

خانم تاج‌الدوله از يك فقره عکس پارچه نقره مربوط به ولیعهدی ناصرالدین شاه نام برده و شاهزاده جهانگیر میرزا این تصویر را عکس ولیعهدی ناصرالدین شاه دانسته و در یادداشت خود اشاره‌ای به کپی بودن این تصویر از يك داگروتایپ ندارد، در صورتیکه این تصویر داگروتایپ نیست بلکه يك چاپ آلبومینه و بر روی کاغذ حساس عکاسی است. صرفنظر از این نکته و به فرض اینکه جهانگیر میرزا زمانی که یادداشت را پشت عکس نوشته تفاوتی میان اصل و کپی قائل نشده باز احتمال اینکه این عکس يك کپی از همان داگروتایپی باشد که تاج‌الدوله در نامه خود به آن اشاره کرده که در زمان ولیعهدی ناصرالدین شاه در تبریز برداشته شده، وجود ندارد زیرا با توجه به مستندات تاریخی ناصرالدین میرزا حدوداً شانزده ساله بود که به تبریز رفت (۵) اما سن کودکی که در تصویر وجود دارد بسیار کمتر از شانزده سال است لذا اشاره به شهر تبریز به عنوان محل برداشتن عکس در نامه تاج‌الدوله و پشت‌نویس عکس می‌تواند ناشی از خطای حافظه و عدم اشراف نویسندگان آن به مسائل تاریخی آن دوران باشد.

حال اگر فرض را بر این بگذاریم که تاج‌الدوله در مورد محل عکسبرداری اشتباه کرده و این تصویر يك کپی از اصل داگروتایپی است که در زمان ولیعهدی ناصرالدین شاه در تهران، توسط ژول ریشار و یا حتی دو سال زودتر توسط روسها برداشته شده، باید به این نکته توجه مهم کنیم که در سالهای ۱۸۴۲ - ۴۴ زمان نوردهی برای تهیه داگروتایپ چیزی در حدود یا بیشتر از هشت دقیقه بوده تا تصویر با کیفیتی مطلوب ثبت شود و اگر این تصویر با زمانی در حدود هشت دقیقه نوردهی به ثبت رسیده باشد؛ ثابت ماندن تمام افراد حاضر در تصویر به گونه‌ای که

مشاهده می‌شود غیرممکن است پس این عکس با زمان نوردهی بسیار کمتر از آنچه که برای ثبت يك داگروتایپ در آن تاریخ لازم بوده به ثبت رسیده است. نکته بسیار مهم دیگری که می‌توان به آن پرداخت بررسی شباهت بین کودک حاضر در عکس با نقاشی‌های به جا مانده از کودکی ناصرالدین میرزا است که توسط سولتیکف نقاش روسی و کمال‌الملک ترسیم شده است. بنابراین نقاشان تعدادی از این نقاشیها از روی داگروتایپ‌هایی تهیه شده‌اند که از ناصرالدین میرزا در کودکی و نوجوانی برداشته شده بوده، می‌بینیم که شباهت زیادی بین این کودک و تصاویر کودکی ناصرالدین میرزا مشاهده نمی‌شود .

با در نظر گرفتن هر يك از این نکات این تصویر، نمی‌تواند يك کپی از همان داگروتایپی باشد که تاج‌الدوله در یادداشت خود به آن اشاره کرده و بهتر است بپذیریم که این عکس و سند بعدها به اشتباه در کنار هم قرار گرفته‌اند و این نامه مربوط به تصویر دیگری بوده است. صرف نظر از این موارد، آنچه که مهم است ارزشمندی سندی ایرانی است که طی آن تاج‌الدوله همسر ناصرالدین شاه به وجود داگروتایپی از دوران ولیعهدی ناصرالدین شاه در بیوتات و صندوقخانه‌شاهی اشاره می‌نماید، پس این داگروتایپ موجود بوده اما متأسفانه مفقود شده و یا از بین رفته است. به احتمال قریب به یقین اگر مقصود از "عملی" که دوست محمدخان قرار داده روی آن انجام بدهد، تهیه کپی از آن بوده باشد میتوان انتظار داشت که این کپی روزی در بین عکسهای به جا مانده از دوست محمدخان معیرالممالک که متأسفانه بسیار پراکنده‌اند، شناسائی شود .

بنابر اظهارات آقای ذکاء کودک حاضر در تصویر (عکس اصلی) مظفرالدین میرزا ۷ - ۸ ساله است، اما با توجه به عکسهایی که از کودکی مظفرالدین میرزا در حدود ۸ سالگی وی شناسایی شده و موجود است کودکی که در این تصویر دیده می‌شود، با مقایسه و در نظر گرفتن جنه و نسبت قد او با صندلی و قد اطرافیان بزرگتر از ۷ - ۸ سالگی مظفرالدین میرزا است .

در عین حال تفاوت‌های ظاهری اندکی نیز در چهره کودکی مظفرالدین میرزا و کودک حاضر در عکس مشاهده می‌شود این تفاوت‌ها در چشم و شکل ابروها و پهنای فرم صورت به چشم می‌آیند (به دلیل ریزنما بودن صورت کودک در تصویر اصلی نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد) ولی به طور کلی با توجه به این تفاوتها این کودک، مظفرالدین میرزا هم نیست .

مرحوم ذکاء با اصل قرار دادن مکان عکسبرداری در تبریز عکاس این تصویر را با شك و تردید به ملك قاسم میرزا نسبت می‌دهد و سال تهیه عکس را سال ۱۲۷۷ - ۱۲۷۸ هجری قمری می‌دانند اما حتی اگر این عکس را تصویری از کودکی مظفرالدین میرزا بدانیم، با توجه به تاریخ تولد مظفرالدین شاه در سال ۱۲۶۹ هجری قمری (۳/۱۸۵۲ میلادی) و سن تقریبی کودک در عکس (حدود یازده سال) و با توجه به اینکه ملك قاسم میرزا در سال ۱۲۷۷ هجری قمری چشم از جهان فرو بسته، این فرض نیز ممکن نیست. مگر اینکه ملك قاسم میرزا این عکس را از شخص دیگری و تا قبل از سال ۱۲۷۷ هجری قمری برداشته باشد .

در مورد تشخیص هویت کودک این امکان قویتر است که این کودک شخص دیگری بجز ناصرالدین میرزا و مظفرالدین میرزا باشد؛ شاهزاده‌ای که در جانی می‌زیسته و یا یکی از سه ولیعهدی که قبل از مظفرالدین میرزا در گذشته‌اند. پاره‌ای شباهت‌های ظاهری بین کودک اینستاده در این تصویر و عکسهای کودکی کامران میرزا (تاریخ تولد کامران میرزا نوزدهم ذی‌الحجه ۱۲۷۲ هجری قمری است) وجود دارد، اما بهر حال برای اظهار نظر قطعی درباره هویت این کودک نیاز به ادله محکم‌تری داریم .



8 سالگی مظفرالدین شاه

(بعضی از عکس شناسان قدیم ایران آن را قدیمی‌ترین عکس در تاریخ عکاسی ایران می‌دانستند .
۲ (ناحیه نظام‌آباد در اطراف تهران قدیم جزء املاک دوستعلی‌خان معیرالممالک بود و پس از ازدواج خانم عصمت‌الدوله و دوستمحمدخان معیرالممالک به عنوان مهریه خانم عصمت‌الدوله به وی تعلق گرفت و از آن پس به "مهرآباد" تغییر نام یافت. این ناحیه امروزه به نام مهرآباد شناخته می‌شود و فرودگاه فعلی تهران در بخشی از آن واقع است .
۳ (دکتر شهریار عدل طی مقاله‌ای در فصلنامه طاووس مطرح کرده‌اند که روسها حدود دو سال زودتر از ژول ریشار در ایران به عکاسی پرداخته‌اند، یعنی در سال ۱۸۴۲ میلادی که امپراتور روسیه اولین دستگاه داگروتایپ را به عنوان هدیه به دربار محمدشاه قاجار فرستاد. به همراه دستگاه داگروتایپ نیکلای پاولوف دیپلمات جوان روس که تعلیم عکاسی دیده بود نیز به ایران آمد تا ایرانیان را از نحوه عملکرد دستگاه مطلع کند و در تاریخ مذکور نخستین عکس در ایران در حضور محمدشاه قاجار برداشته شد .

۴ (ثقفی، خلیل (اعلم الدوله مقالات گوناگون، چاپ تهران، تهران، ۱۳۳۲، صص ۱۱۳ - ۱۴
۵ (با توجه به مستندات تاریخی ناصرالدین میرزای ولیعهد در سال ۱۲۶۳ هجری قمری/ ۱۸۴۶ میلادی در سن شانزده سالگی (تولد ۱۲۴۷ هجری قمری/ ۱۸۳۰ میلادی) به آذربایجان رفت

http://www.bukharamagazine.com/treatise.php?tre_id=1223

History Site of Mirhadi hoseini